

چالش عدالت آموزشی در مناطق محروم به روایت معلم و جهادگر در گفت‌وگو با «جوان»

بچه‌های فراموش‌شده در غبار محرومیت‌های تحصیلی

ساخت ۲۰ مدرسه

با فعالیت‌های مجازی خانم معلم

سعیده دلمرادی بیش از ۲۰سال است به عنوان معلم فعالیت می‌کند اما در این مدت، اقداماتی فراتر از شغلش انجام داده است. خانم دلمرادی معتقد است: اگر محیط آموزشی مناسبی در دسترس کودکان و نوجوانان مناطق محروم وجود داشته باشد، اغلب آنها می‌توانند با درس خواندن و بی‌الا بردن آگاهی خود، سرنوشت‌شان را تغییر دهند و از آنجا که این بچه‌ها طعم محرومیت را چشیده‌اند، می‌توانند پس از فارغ‌التحصیلی و یادگیری مهارت شغلی به محل زندگی‌شان بازگردند و به کودکان آنجا کمک کنند، به همین دلیل ۲۰مدرسه با تلاش‌های این خانم معلم در فضای مجازی و همچنین کمک خیرین در مناطق محروم ساخته شده است. «جوان» با این معلم خوش‌ذوق گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

درباره فعالیت‌های تان در مناطق محروم صحبت کنید و بگویید چه موافتی بر سر راه تحصیل این کودکان وجود دارد؟

سال ۱۳۸۱ از طریق نهضت سوادآموزی در سیستم آموزش و پرورش وارد و هشت سال بعد به عنوان معلم استخدام شدم. در این مدت، خارج از شغل معلمی به مناطق کم‌برخوردمی رفتم. در آنجا می‌دیدم که چه استعدادهایی در کودکان وجود دارد که کسی به آن توجهی نمی‌کند و چون شرایط رشد فرهنگی این بچه‌ها فراهم نبود، آنها پیشرفتی نمی‌کردند و نمی‌توانستند به آرزوهای که در سر داشتند، برسند. از یک سو نبود مدرسه در نزدیکی خانه بچه‌ها و از سوی دیگر مغالفت خانواده‌ها برای اینکه فرزندشان را به روستا یا شهرهای اطراف نفرستند، باعث می‌شد کودکان در مناطق کم‌برخوردار به مدرسه نروند و بدتر اینکه برای همیشه ترک تحصیل کنند، البته کودکانی را دیدم که با وجود مشکلات اقتصادی خانواده‌شان و با حمایت پدر و مادر به مدرسه‌های دور از محل زندگی‌شان می‌رفتند و درس خواندن را مهم می‌دانستند. اینها تمام تلاش‌شان را می‌کردند به جایی برسند که آرزوی‌شان را داشتند. در حالی که گفته می‌شود تحصیل در ایران رایگان است اما این حرف به یک شعار می‌ماند. برخی از کودکان به دلیل عدم‌تأمین هزینه‌های تحصیل نتوانستند وارد مدرسه شوند و این مسئله به کودک، خانواده و جامعه آسیب زیادی وارد کرده است.

کارهایی که باید انجام شود تا این کودکان مانند بچه‌های مدرسن و سالان‌شان به مدرسه بروند، چیست؟

وقتی به بچه‌های روستایی که در آن درس می‌دادم درباره فواید درس خواندن توضیح می‌دادم و از آنها می‌خواستم با حضور در مدرسه آگاهی‌شان را بالا ببرند، اکثرشان می‌گفتند خانواده‌های‌شان به دلیل دوری مدرسه از خانه به آنها اجازه در درس خواندن نمی‌دهند. اگر مسئله تحصیل در کشورمان مهم است، پس باید در هر روستا مدرسه‌ای وجود داشته باشد و دسترسی به تحصیل آسان شود تا کودکانی که از روی درس خواندن دارند به کلاس درس بروند و برای رسیدن به خواسته‌های‌شان تلاش کنند. اصل مطلب این است که کودکان در مناطق محروم بیش از هر چیزی به محیط آموزشی نیاز دارند و تنها کاری که می‌تواند آنها را از شرایط سختی که در آن قرار دارند نجات دهد، ادامه تحصیل‌شان است. این بچه‌ها قرار است در آینده پدر و مادر شوند و فرزندی داشته باشند. در این صورت آنها باید بتوانند کتاب بخوانند یا با تلفن همراه کار کنند و از اخبار روز باخبر شوند. آنها باید بتوانند نوشته‌های روی یک شیشه دارو و تاریخ مصرف آن را بخوانند تا از عهده مسائلی ابتدایی زندگی‌شان برآیند. در غیر این صورت چرخه ترک تحصیل و محرومیت در این خانواده‌ها ادامه پیدا خواهد کرد. نوسازی یا ایمن‌سازی مدارس در مناطق محروم نیز بسیار مهم است. وجود مدارس فرسوده، دلیل دیگری برای ترک تحصیل تعداد زیادی از کودکان شده و آینده آنها را زیر و رو کرده است. ماه گذشته بود که به استان سیستان و بلوچستان رفته بودیم. در یکی از روستاها ساختمان‌های ناامنی به عنوان مدرسه وجود داشت که خانواده‌ها برای حفظ جان و سلامتی فرزندانشان به آنها اجازه نمی‌دادند در ساختمان فرسوده درس بخوانند. ریش سفید این روستا می‌گفت یکی از این ساختمان‌های مدرسه آنقدر قدیمی است که مربوط به دوران تحصیلی خودش می‌شود اما هنوز نوسازی نشده است.

برای دسترسی کودکان مناطق محروم به فضای آموزشی تا امروز چند مدرسه یا پیگیری‌ها و تلاش‌های شما ساخته شده است؟ کمک‌های آموزش و پرورش در زمینه مدرسه‌سازی در چه سطحی بوده است؟

۱۰سال است در فضای مجازی فعالیت می‌کنم تا وضعیت مناطق محروم را به نمایش بگذارم و با جلب توجه مسئولان و همچنین کمک‌های مردم، شرایط این مناطق را بهبود بخشم. در این مدت با لطف خدا و کمک‌های خیرین توانسته‌ام ۲۰مدرسه بسازیم. آموزش و پرورش برای ساخت این مدارس در حدمحوطه‌سازی و تأمین تجهیزات کمک کرده است. چندین پروژه ساخت مدرسه نیز در دستور کار است و خیرین سهم‌شان را برای آنها پرداخت کرده‌اند اما این پروژه‌ها معطل پرداخت سه‌م آموزش و پرورش مانده است و امیدواریم در این سال جدید دولت توجه بیشتری به مسئله مدرسه‌سازی داشته باشد.

بهترین کمک‌به تحصیل کودکان و نوجوانان در مناطق کم‌برخوردار چه می‌تواند باشد؟

در مناطق بالای شهر تهران، دانش‌آموزی در بهترین مدرسه با معلمان متخصص و امکانات عالی آموزش می‌بیند و خانواده‌اش نیز هزینه‌های زیادی برای تحصیل او صرف می‌کند، در نهایت این دانش‌آموز، نمرات عالی می‌گیرد و با رتبه برتر کنکور در رشته‌های پرطرفدار بهترین دانشگاه‌ها درس می‌خواند، در مقابل اما دانش‌آموزی در منطقه کم‌برخوردار، فرصت برابر برای تحصیل ندارد، فاصله او از نزدیک‌ترین مدرسه که کیفیت آموزش در آن چندان تعریفی ندارد، دور است و از آنجا که خانواده‌اش نمی‌تواند هزینه رفت و آمد او را به مدرسه بدهد، یک خط در میان سر کلاس درس حاضر می‌شود یا اصلاً ترک تحصیل می‌کند. فرق امکانات تحصیلی این دو دانش‌آموز نسبت به یکدیگر، به اندازه فاصله زمین تا آسمان است که آینده‌شان نیز تحت تأثیر همان قرار می‌گیرد، این در حالی است که اگر دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار نیز در محیط آموزشی مناسبی قرار بگیرند و با همان امکانات عالی مناطق شمالی تهران درس بخوانند، می‌توانند تبدیل به نخبه‌ای در این کشور شوند، اما از آنجا که توجه چندان به مسئله تحصیل کودکان در مناطق محروم نمی‌شود، آنها زندگی‌شان را محدود به همان منطقه و در حصار محرومیت می‌بینند و حتی برای بهتر شدن وضعیت زندگی‌شان نیز تلاشی نمی‌کنند.

در این میان برخی از گروه‌های جهادی و معلمان دلسوز برای

نجات زندگی کودکان و نوجوانان مناطق محروم آستین

همت را بالا زده‌اند و با رفتن به نقاط کم‌برخوردار

اقدام به مدرسه‌سازی و فراهم کردن محیطی

برای آموزش آنها کرده‌اند چراکه به

عقیده آنها تنها راه نجات این بچه‌ها

از محرومیت، فراهم شدن

شرایطی برای تحصیل آسان

و در دسترس و همچنین

توجه به مهارت آموزی

آنهاست؛ موضوعی که

اجرا شدن تمام و کمال آن،

نیاز به همت مسئولان

آموزشی کشورمان دارد.



نسترن دانه‌کار

مسئول گروه جهادی



سعیده دلمرادی

معلم

■ بچه‌های یک روستا می‌گفتند خانواده‌شان به دلیل دوری مدرسه از خانه، به آنها اجازه درس خواندن نمی‌دهند. اگر همچنین جامعه مؤثر واقع شوند، اما کسی این نخبگان را نمی‌بیند، بنابراین نباید از کنار ترک تحصیل حتی یک دانش‌آموز هم بی‌تفاوت ردد و باید زمینه تحصیل همه کودکان به بهترین شکل ممکن فراهم شود.

نسترن دانه‌کار مسئول گروه جهادی «حنیفا»

است که «آموزش» و «مهارت‌آموزی» به کودکان و نوجوانان مناطق کم‌برخوردار را مهم می‌داند. او تمام تلاشش را کرده است بچه‌های کوره‌های آجرپزی تهران ترغیب شوند و به کلاس‌های درس خانه حنیفا که در کاتکس‌های کوچک تشکیل شده است، بروند و ساعتی را در آنجا آموزش ببینند، البته خاتم دانه‌کار آن دانش‌آموزانی را که امکان رفت و آمد به نزدیک‌ترین مدرسه دارند در مدرسه ثبت‌نام می‌کند تا از امکانات آموزشی آنجا استفاده کنند، اما عمده این بچه‌ها از عهده هزینه رفت و آمد به مدرسه بر نمی‌آیند و خانواده‌های‌شان هم اجازه رفتن به مدرسه‌های دور از دسترس را نمی‌دهند. «جوان» با این خانم جهادگر به گفت‌وگو نشسته است.

■ ■ ■

چرا تحصیل بچه‌ها در مناطق محروم برای تان مهم است؟

گروه حنیفا کارش را با هدف رسیدگی به کودکان و نوجوانان آغاز کرده است و «تحصیل» را برای این گروه سنی مهم می‌داند چراکه این بچه‌ها با درس خواندن می‌توانند توانمند و برای ورود به جامعه آماده شوند. آنها با تحصیل می‌توانند رشد و پیشرفت داشته باشند و استعدادشان را شکوفا کنند. پس از آن هم، امکان یادگیری مهارتی را دارند و می‌توانند شغلی را برای خودشان انتخاب کنند. از آنجا که نزدیک‌ترین مدرسه به کوره‌های آجرپزی هم دور است، بسیاری از دانش‌آموزان شرایط رفت و آمد به آنجا را ندارند، به همین دلیل خانه حنیفا در نزدیکی خانه این بچه‌ها ساخته شد تا در دسترس باشد. از طرفی دانش‌آموزان افغانستانی در این منطقه زندگی دارند. در رابطه با ثبت‌نام آنها بسیاری از مدارس به صورت عملی می‌کنند و بنا به تصمیم شخصی مدیر مدرسه «ثبت‌نام» یا «د» می‌شوند. گاهی مدیران مدرسه آموزشی‌شان را که مدارک هویتی ندارند، در صورت پرداخت «پول» ثبت‌نام می‌کنند، یعنی اگر پول نباشد این دانش‌آموزان در مدرسه پذیرش نمی‌شوند! اما در خانه حنیفا به همه این بچه‌ها چه ایرانی و چه افغانستانی درس داده می‌شود تا بتوانند در آینده مهارتی را بر اساس علایق‌شان کسب کنند.

دانش‌آموزان حنیفا مدرک تحصیلی هم می‌گیرند؟

دانش‌آموزان خانه حنیفا پس از درس خواندن در آنجا امتحان می‌دهند و با تأیید مدرسه نزدیک به آنجا کارنامه می‌گیرند. پس از آن این بچه‌ها می‌توانند به مقطع تحصیلی بعدی در مدارس بروند و یک سال از تحصیل عقب نمانند. در حال حاضر ۳۰دانش‌آموز کلاس اولی و ۲۰دانش‌آموز مقاطع دوم و سوم ابتدایی داریم که چون پایه تحصیلی‌شان ضعیف است از پایه اول به آنها درس می‌دهیم. اگر تعداد خیرین بیشتر شود و معلمان بیشتری به ما ملحق شوند، می‌توانیم به دانش‌آموزان بیشتری نیز آموزش بدهیم.

سختی‌های تحصیل برای این کودکان به چه نحوی است؟

بچه‌ها در مناطق محروم فرصت بسیار کمی برای آموزش دارند و از امکاناتی که دانش‌آموزان مناطق بالای شهر تهران دارند، برخوردار نیستند. این در حالی است که معلم هنگام درس دادن به آنها این مسئله را در نظر نمی‌گیرد و از این دانش‌آموزان توقع دارد مانند یک دانش‌آموز در شهر تهران که از دوران

مهسا گریندی

پرونده

شکاف تحصیلی



کودکی آموزش‌های کافی دیده است، همه چیز را به خوبی یاد بگیرد. از طرفی کودکان کوره‌های آجرپزی به دلیل مشکلات مالی خانواده‌های‌شان مجبورند بخشی از روز را کار کنند و کمتر می‌توانند برای درس خواندن وقت بگذارند، به همین دلیل سختگیری بیش از حد معلمان باعث می‌شود آنها از درس زده شوند و ترک تحصیل کنند. مدارا کردن با این بچه‌ها ضروری است که کمتر معلمی به آن توجه می‌کند، اما این مسائل در خانه حنیفا رعایت می‌شود، شاید به همین دلیل است که آنها دل‌شان می‌خواهد در کلاس‌های ما، درس بخوانند.

این نکات را به مسئولان مدرسه‌ای که دانش‌آموزان کوره‌ها را در آنجا ثبت‌نام کردید، گفته‌اید؟

بله همه اینها را گفته‌ام اما برخی از مدیران مدرسی که بچه‌ها را در آنجا ثبت‌نام کرده‌ام به من می‌گویند اینها که درس به در دشان نمی‌خورد و قرار نیست چیزی در زندگی‌شان تغییر کند! این حرف‌ها من را ناراحت می‌کند چراکه مدرسه به جای اینکه کودکان مناطق محروم را ترغیب به درس خواندن کند، با نگاه غلط خود، آنها را از تلاش‌شان را انجام دهند دانش‌آموزان سر کلاس درس حاضر شوند و آمار ترک تحصیلی‌ها کاهش پیدا کند اما متأسفانه برخی از آنها کاملاً برعکس عمل می‌کنند.

به نظر شما تحصیل می‌تواند شرایط زندگی کودکان کوره‌های آجرپزی را تغییر دهد؟

کشورهای پیشرفته برای مدرسه و تحصیل اهمیت بسیار زیادی قائل می‌شوند. آنها سرمایه‌گذاری عظیمی روی چگونگی تحصیل کودکان خود می‌کنند و عقیده دارند مدارس آینده کشورشان را رقم خواهند زد. از آن‌پنده کشورمان برای‌ام مهم است مایه‌باید به تحصیل کودکان توجه زیادی داشته باشیم. نه صورتی که آنها را از یادگیری بلکه کودکان در تمامی مناطق محروم نیاز به یادگیری مهارت دارند تا شغلی را انتخاب کنند. متأسفانه در اطراف تهران و مناطق دورافتاده، هنرستان وجود ندارد که به این بچه‌ها مهارتی را آموزش دهد. در صورتی که آنها باید کاری را یاد بگیرند و در آمدی داشته باشند. خیلی از این دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل ناچارند رشته‌های نظری را انتخاب کنند که هیچ کدام‌شان مهارتی را به آنها یاد نمی‌دهد. یک دانش‌آموز در مناطق حاشیه‌ای نمی‌خواهد درس بخواند که کنکور بدهد و وارد دانشگاه شود بلکه او می‌خواهد با رفتن به مدرسه کاری یاد بگیرد و درآمد داشته باشد. بسیاری از این بچه‌ها تمایل برای رفتن به رشته‌های فنی را ندارند اما نزدیک‌ترین هنرستان به آنها ساعت با آنها فاصله دارد که با مخالفت خانواده‌های‌شان روبه‌رو می‌شوند و بدتر اینکه از عهده هزینه‌های رفت و برگشت به مدرسه هم بر نمی‌آیند. اینها مسائلی است که آموزش و پرورش باید به آن رسیدگی کند. در آن گیر کردن دانش‌آموزان در این مناطق را به حال خود بگذارد. در این صورت تنها دغدغه ما این می‌شود که کتاب و لوازم تحصیلی دانش‌آموزان را تهیه کنیم. نه اینکه در ابتدایی‌ترین مسئله تحصیل آنها که وجود یک مکان آموزشی قابل دسترس است، بمانیم و ندانیم که چطور باید آنها را به مدرسه‌ای که نیاز دارند، بفرستیم. متأسفانه چنین مواردی در نظام آموزشی کشور ما دیده نشده است، به همین دلیل این کودکان و نوجوانان برای رهی نجات خود از وضعیتی که در آن گیر کرده‌اند، پیدا نمی‌کنند و هزار و یک آسیب اجتماعی گریبان آنها را می‌گیرد.

هر چند وقت یک‌بار خبر از ساخت مدرسه توسط خیرین در مناطق مختلف شنیده می‌شود. لزوم ساخت یک هنرستان برای این بچه‌ها تا به حال مطالبه شده است؟

متأسفانه در آگاهی دادن به خیرین مدرسه‌ساز نیز دچار مشکل هستیم چراکه عمده این افراد خیر می‌خواهند در روستاها و مناطق دورافتاده مدرسه ابتدایی بسازند. از نظر آنها «سواد» یعنی خواندن و نوشتن و همین برای بچه‌ها کفایت می‌کند. در صورتی که این بچه‌ها باید ادامه تحصیل بدهند و اگر یک مدرسه ابتدایی در روستا وجود دارد باید فکری برای دوره‌های تحصیلی بعدی آنها نیز کرد تا به قدر کافی توانمند شوند، اما می‌بینیم که در نتیجه اقدامات خیرین مدرسه‌ساز، در یک منطقه دورافتاده مدرسه تا مقاطع راهنمایی وجود دارد و وقتی از آنها بپرسید که خب بعد از آن دانش‌آموزان کجا بروند و درس بخوانند؟ یا می‌گویند بعد از آن مهم نیست یا می‌گویند برای ادامه تحصیل به روستاهای دیگر می‌روند و ادامه تحصیل می‌دهند. متأسفانه کسی نیامده فکر کند که اگر سه روستا نزدیک هم هستند و هر سه مقطع دبستان و راهنمایی دارند رشته‌های هنری و فنی این بچه‌ها یک مدرسه بسازد و این دانش‌آموزان را برای داشتن یک شغل توانمند کند. متأسفانه هر سرای محله و فرهنگسرای که اسمش به گوش تان می‌رسد در تهران قرار گرفته است، اما در سایر شهرها و روستاها چنین امکاناتی برای بچه‌ها وجود ندارد. جایی در روستاها و حاشیه شهر تهران وجود ندارد که به کودکان و نوجوانان اهمیت درس خواندن را توضیح دهد و به آنها بگوید که مسیر زندگی‌شان با تحصیل چه تغییری خواهد کرد. در برخی از روستاها به قدری محرومیت زیاد است که از خود اهالی آن روستا یک معلم و یک مدیر برای چرخاندن امورات مدرسه وجود ندارد و باید برای اداره مدرسه از سایر روستاها معلم و مدیر بفرستند، در صورتی که با توانمند کردن افراد روستا و آموزش به آنها می‌توانند خودشان به هم‌روستایی‌های‌شان درس بدهند و زندگی آنها را متحول کنند.